

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اشتغال در کشورهای در حال توسعه

دکتر ابوالقاسم مهدوی*

حمید عزیز محمدلو**

چکیده:

طی دو دهه اخیر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یکی از پدیده‌های نوظهور در عرصه حیات اقتصادی کشورها نمود بارزی یافته است. این مقوله به عنوان یکی از مصداقهای تحرک سرمایه موفقیت چشمگیری در برآورده شدن انتظارات تئوریک مبنی بر سودمندی تحرک عوامل تولید، به دست آورده است به طوری که منافع حاصل از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قالب مسائلی نظر افزایش رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، انتقال فن آوری، افزایش توان رقابت، بهبود منابع مالی و انسانی و فواید متنوع دیگری از این قبیل منعکس گردیده است. در مقاله حاضر سعی شده است تا نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال در کشورهای میزبان در حال توسعه مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور ضمن تجزیه و تحلیل تئوریک تاثیر FDI بر اشتغال و ارائه یک مدل تجربی مناسب، آمار و اطلاعات چند کشور منتخب در حال توسعه (کره جنوبی، مالزی، اندونزی، هند و برزیل) طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰ در قالب مدل معرفی شده به صورت سری زمانی (Time series) و داده‌های ترکیبی (Pooling Data) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصله تأثیر مثبت و معنی‌دار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال کشورهای میزبان را مورد تأیید قرار داده و نشان داده است که میزان اثرگذاری FDI بر اشتغال کشورهای میزبان در نتیجه تعامل دو عامل میزان توسعه یافتگی و آمادگی کشور برای جذب سرمایه‌گذارها و انتقال و استقرار فن آوری نوین از یک طرف و اهمیت و سهم منابع مالی خارجی در تأمین نیازهای مالی کشورهای میزبان یا به عبارت دیگر میزان و شدت نیاز این کشورها به منابع مالی خارجی از طرف دیگر، تعیین می‌گردد.

* عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

کلید واژه‌ها: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، اشتغال، کشورهای در حال توسعه، روش حداقل مربعات معمولی، روش (Pooling Data)

۱- مقدمه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) توسط شرکتهای چند ملیتی رشد چشمگیری را طی سالهای اخیر تجربه کرده است. همزمانی این پدیده با افزایش اساسی تقاضا برای نیروی کار ماهر در طول دو دهه گذشته، صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران اقتصادی را بر آن داشته تا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به عنوان عاملی برجسته و اثرگذار در تغییرات اشتغال کشورهای سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر مورد توجه قرار دهند. نتیجه چنین توجهی، تحقیقات متعددی است که در این زمینه انجام شده است. گروهی از این تحقیقات اثرات FDI را بر اشتغال کشورهای سرمایه‌گذار (میزبان) و گروهی دیگر نقش اشتغال‌زایی FDI را در کشورهای سرمایه‌پذیر (میزبان) مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. با عنایت به تمرکز تحقیق حاضر بر اثر اشتغال‌زایی FDI در کشورهای میزبان، نمونه‌هایی از تحقیقات گروه اخیر مورد اشاره قرار می‌گیرند.

Driffield و Taylor (۲۰۰۰) اثر اشتغال‌زایی FDI را بر صنایع کشور انگلستان بررسی کرده و میزان تأثیر FDI را در افزایش تقاضای نیروی کار ماهر مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیقات، نقش اثرگذار FDI را در روند اشتغال کشور مورد مطالعه، تأیید و این نقش را تابعی از میزان بهره‌وری صنایع سرمایه‌پذیر معرفی کرده است.

Pain و Barrell (۱۹۹۷) نیز در مطالعه‌ای بر روی صنایع کشور انگلستان دریافتند که یک درصد افزایش در جریان ورودی FDI به این صنایع، منجر به ۰/۲۶ درصد افزایش در پیشرفت فنی و تکنولوژیک این بخش می‌گردد. از طرف دیگر آنها به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر، نتیجه افزایش بهره‌وری نیروی کار در بخش مذکور است که از طریق پیشرفتهای فنی و تکنولوژیکی حاصله از جریان FDI، به وجود آمده است. بنابراین این محققان با واسطه قرار دادن تأثیر فن‌آوری بر بهره‌وری نیروی کار، و در نظر گرفتن FDI به عنوان یکی از راههای انتقال فن‌آوری، نقش مثبت FDI را در ایجاد اشتغال مورد تأیید قرار داده‌اند.

Buckley در گزارش سرمایه‌گذاری جهانی (۱۹۹۴)، بهبود کار را به‌عنوان یکی از مشخصه‌های اساسی افزایش مزیت نسبی در طول زمان معرفی می‌نماید که این امر می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری داخلی و یا به طور بسیار موثرتر به وسیله جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حاصل گردد. این تحقیق اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام شده توسط شرکتهای چند ملیتی

را بر کیفیت و کمیت اشتغال کشورهای میزبان و میهمان مثبت ارزیابی کرده و خاطر نشان کرده است که درجه مهارت نیروی کار، میزان بهره‌وری و پرداختی به نیروی کار در این شرکتها بسیار بالاتر از شرکتهای داخلی است.

Kokko و Blostrom (۱۹۹۹) در مطالعه خود دریافتند که فعالیت شرکتهای چندملیتی در کشورهای میزبان (به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل انتقال دهنده FDI)، نه تنها منجر به جذب نیروی کار ماهر این کشورها در شرکتهای مذکور می‌گردد، بلکه از طریق سرریز فن آوری و سرمایه این شرکتها به شرکتهای داخلی، شرایط و امکانات جذب نیروی کار ماهر در شرکتهای داخلی نیز فراهم می‌شود.

Lipsey (۲۰۰۲) در تحقیق خود تحت عنوان: «اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر کشورهای میزبان و میهمان»، تاثیر FDI بر اشتغال کشورهای میزبان را در قالب اثرات مستقیم و غیرمستقیم مورد بحث قرار می‌دهد. وی بیان می‌دارد که اثر مستقیم FDI بر اشتغال کشورهای میزبان غالباً از طریق فرآیند تشکیل سرمایه و فعالیتهای تجاری شکل گرفته در قالب پروژه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ناشی می‌شود. این محقق به این نتیجه می‌رسد که اگرچه اثر مستقیم FDI ممکن است برای کشورهای خاصی مهمتر باشد، اما در قوت اثرات غیرمستقیم FDI بر اشتغال کشورهای میزبان تردیدی نیست. در این زمینه به صرفه‌های ناشی از فعالیت شرکتهای چندملیتی که به بهبود بهره‌وری در شرکتهای کشور میزبان منجر می‌شود، اشاره می‌گردد.

Runa و Ugar (۲۰۰۳) در جریان بررسی تأثیرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تغییرات شاخص دستمزد در بخش صنعت ایرلند، با استفاده از اطلاعات پانل (Panel)، تغییرات شاخص دستمزد را بین شرکتهای داخلی و شرکتهای چندملیتی فعال در این کشور مورد بررسی قرار داده و دریافتند که شرکتهای خارجی دستمزدهای بالاتری را به نیروی کار پرداخت می‌نمایند. این امر خصوصاً در ارتباط با نیروی کار ماهر عینیت بیشتری می‌یابد، که نتیجه آن افزایش گرایش نیروی کار به فعالیت در این شرکتهاست. این محققان نشان دادند که در حدود ۶۸ درصد از رشد اشتغال در بخش صنعت ایرلند طی دوره ۱۹۹۱-۱۹۹۹ به دلیل فعالیت شرکتهای خارجی سرمایه‌گذار در این کشور شکل گرفته است.

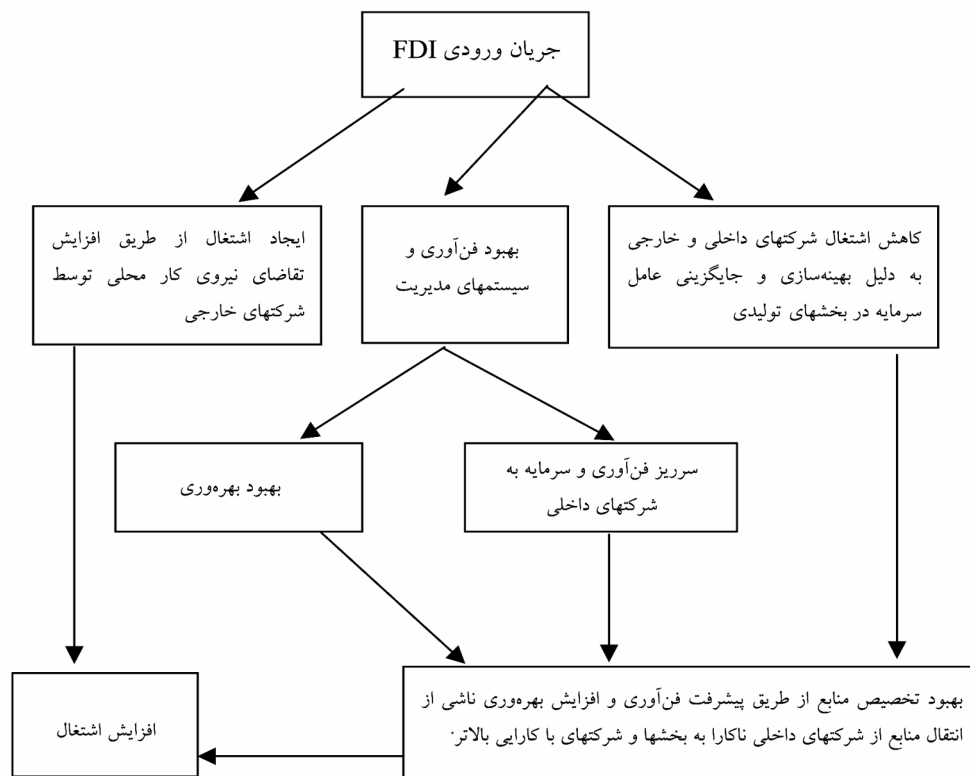
در تحقیق حاضر سعی بر آن است تا ضمن تجزیه و تحلیل تئوریک فرآیند اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال کشورهای میزبان و ارائه یک مدل تجربی، در قالب آمار

و اطلاعات ۲۰ ساله پنج کشور در حال توسعه، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال در کشورهای در حال توسعه میزبان مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۲- مبانی تئوریک

بر اساس تئوری تجارت^۱ جریان ورودی FDI به بهبود تخصیص منابع و از این طریق به افزایش توان اشتغال‌زایی کشورهای میزبان منجر می‌گردد. این تئوری بیان می‌دارد که اثرات اشتغال‌زایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI از دو طریق ایجاد می‌شود. بر اساس روش اول اشتغال مستقیماً از طریق شرکتهای خارجی فعال در کشورهای میزبان تحت تاثیر قرار می‌گیرد. ولی در روش دوم FDI از مجرای بهبود تخصیص منابع تولید و به طور غیرمستقیم بر اشتغال کشورهای میزبان اثر می‌گذارد. این فرآیند را می‌توان به صورت شکل (۱) نمایش داد. فرآیند مذکور نشان می‌دهد که نوع فعالیت شرکتهای خارجی در کشورهای میزبان و سرریزهای فن‌آوری و سرمایه از این شرکتهای داخلی کشور میزبان، از عوامل اساسی تعیین‌کننده اثرات FDI بر اشتغال این کشورها به شمار می‌رود.

1- Trade Theory



شکل (۱): فرآیند تأثیر FDI بر اشتغال

توضیح این که اثر مستقیم FDI بر اشتغال از نوع فعالیتی ناشی می شود که شرکتهای خارجی انتخاب می کنند، چرا که این شرکتها در زمینه هایی سرمایه گذاری کرده و به فعالیت می پردازند که بتوانند از مزیت نسبی نیروی کار محلی کشورهای میزبان بهره مند گردند. بدین صورت تقاضا برای نیروی کار افزایش یافته و وضعیت اشتغال بهبود می یابد. اما زمانی که سرمایه گذاری مستقیم خارجی با ادغام واحدهای تولیدی همراه می گردد، به دلیل بهینه سازی عملیات، در جریان توسعه فعالیت بنگاههای تولیدی، ممکن است اشتغال کاهش یابد (Williams, ۱۹۹۹). همین وضعیت زمانی پیش خواهد آمد که جریانهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی به بهبود صادرات شرکتهای مربوط به کشورهای سرمایه گذار منجر شود. این امر به کاهش سهم بازار شرکتهای داخلی و در نتیجه کاهش اشتغال در این شرکتها می انجامد (OECD, ۱۹۹۴). علی رغم اثرات منفی غیرمستقیم یاد شده، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به تمرکز و انباشت سرمایه هایی منجر می شود که دربردارنده فن آوری بهتر و سیستمهای مدیریت پیشرفته تر می باشند. همچنین FDI دربردارنده

منافعی است که از راه انتقال دانش و مهارت‌های مورد نیاز به کشورهای میزبان حاصل می‌گردد. نتیجهٔ چنین فرآیندی بهبود بهره‌وری و تخصیص بهینهٔ منابع از طریق انتقال این منابع از فعالیتهای و بخشهای ناکارا به فعالیتهای کارا تر و سرانجام بهبود اشتغال کشورهای میزبان است. بر اساس فرآیند مذکور سه گروه از تئوریهای مطرح در این زمینه را می‌توان مدنظر قرار داد. دسته اول تئوریهایی هستند که فن آوری را محور بحث خود قرار می‌دهند. دسته دوم عوامل جغرافیایی را در نظر داشته و دسته سوم بر اهمیت منابع و تخصیص بهینه آن تأکید می‌ورزند.

تئوریهای مبتنی بر فن آوری (فن آوری محور)^۱

منطق شکل‌گیری این تئوریها بر این اساس استوار است که بنگاهها درصدد انتقال فن آوری به مناطقی هستند که چشم‌اندازی از منافع ایجاد شده از طریق به کارگیری تجربیات شرکت‌های چندملیتی را منعکس می‌سازند (Narula, ۱۹۹۶). بر اساس این تئوریها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان مجرای انتقال فن آوری اساسی به بهبود بهره‌وری در بنگاههای کشور میزبان و کشور میهمان منجر می‌گردد و از این طریق زمینه استفاده مؤثر از منابع و نیل به منافعی از قبیل رشد اقتصادی و افزایش اشتغال را فراهم می‌آورد.

تئوریهای مبتنی بر بعد جغرافیایی^۲

بر اساس اقتصاد بین‌الملل جدید، تجارت بین کشورهای با ساختار اقتصادی مشابه بر پایهٔ توانایی این کشورها در دست‌یابی به بازدهیهای فزاینده نسبت به مقیاس در فرآیند طراحی، تولید و توزیع کالا و خدمات، شکل می‌گیرد (Helpman & Krugman, ۱۹۸۵). مدل‌های مبتنی بر این تئوریها، منافع حاصل از تمرکز جغرافیایی را که مشتمل بر صرفه‌های ناشی از مقیاس و هزینه‌های پایین دست‌یابی به بازارهاست، مورد تأکید قرار می‌دهند. بر طبق این مدلها، در آغاز، فرآیند تجمع و تمرکز فعالیتهای در یک نقطهٔ جغرافیایی خاص، باعث توسعهٔ بازار و ایجاد صرفه‌های ناشی از مقیاس گردیده و بدین ترتیب در آمد عوامل تولید در این مجتمعها افزایش می‌یابد. این امر خود موجب مهاجرت نیروی کار از دیگر مناطق به این مجتمعها می‌گردد. اما در طول زمان که این مجتمعها توسعه می‌یابند، به دلیل افزایش هزینهٔ عوامل تولید برای نهاده‌هایی که

1- Technological Based Theories

2- Geographical Based Theories

از تحرك کمتر و عرضه كم كشش تری برخوردارند، انگیزه‌های تجميع واحدهای تولیدی در آن مجتمع تضعیف می‌گردد. در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران خارجی، سرمایه‌های خود را به مناطقی هدایت می‌کنند که از عرضه نیروی کار با كشش تر، فراوانتر و با تحرك بیشتر و در نتیجه دستمزد نسبتاً پایین تری برخوردارند. این امر باز در آغاز به ایجاد منافع و در نتیجه جذب نیروی کار به مناطق مذکور منجر می‌شود و این چرخه می‌تواند همچنان ادامه یابد.

به طور کلی این تئوریه‌ها متضمن این امرند که جریانات FDI باعث تخصیص بهینه منابع و از این طریق بهبود اشتغال می‌گردد. توضیح این که تخصیص بهینه منابع که به وسیله جریان FDI صورت می‌گیرد، از طریق سازوکار مبتنی بر مکان‌یابی جغرافیایی که در راستای بهره‌مندی از مزیت نسبی عوامل تولید در منطقه‌ای خاص شکل می‌گیرد، می‌تواند اشتغال را تحت تأثیر قرار دهد.

تئوریه‌های مبتنی بر منابع^۱

بر اساس این تئوریه‌ها، شرکتهای چند ملیتی شبکه‌های متمایزی از بنگاههای تولیدی را ایجاد کرده و تعدادی از این بنگاهها را مورد توجه خاص خود قرار می‌دهند، به طوری که عالی‌ترین نوع فن‌آوری و مهارت را در این بنگاههای خاص متمرکز می‌نمایند. این بنگاهها که فعالیتهای اساسی شرکتهای چند ملیتی را سازمان‌دهی می‌کنند از منابع بسیار غنی و باارزشی برخوردارند. توسعه چنین بنگاههایی به عنوان مراکز تخصص و مهارت به افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر و خصوصاً برای نیروی کار با مهارت بسیار بالا منجر می‌گردد.

۳- روش تحقیق

۳-۱- مدل تجربی

در این تحقیق برای بررسی این که چگونه سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI بر اشتغال کشورهای میزبان اثر می گذارد از رویکرد رفتار بنگاه جهت حداکثرسازی سود آن استفاده می نماییم. برای شروع بحث، تابع تولید بنگاه را از نوع کاب - داگلاس فرض کرده و به صورت زیر در نظر می گیریم:

$$y_{it} = A_{it}^{\gamma} K_{it}^{\alpha} N_{it}^{\theta} \quad (1)$$

که در آن y محصول تولید شده، K موجودی سرمایه و N نیروی کار مورد استفاده در فرآیند تولید است. بنگاه حداکثر کننده سود، نهاده های نیروی کار و سرمایه را تا آنجا مورد استفاده قرار می دهد که نسبت تولید نهایی سرمایه به تولید نهایی نیروی کار با نسبت هزینه استفاده از سرمایه به دستمزد برابر باشد. با حل همزمان رابطه فوق و جایگذاری سرمایه بر حسب نیروی کار می توان به رابطه زیر رسید:

$$y_t = A_{it}^{\gamma} \left[\frac{\alpha N_{it}}{\theta} \times \frac{W_{it}}{r_{it}} \right]^{\alpha} N_{it}^{\theta} \quad (2)$$

در رابطه (۲) پارامتر A در طول زمان می تواند تحت تأثیر عوامل معرفی شده در رابطه زیر قرار گیرد.

$$A_{it} = Tech_{it}^{\gamma_1} \times Trade_{it}^{\gamma_2} \times FDI_{it}^{\gamma_3} \times e^{\gamma_4 T} : \gamma_1, \gamma_2, \gamma_3, \gamma_4 > 0 \quad (3)$$

که T عبارت است از روند زمانی. با جایگذاری رابطه (۳) در رابطه (۲) و لگاریتم گیری از آن می توان به نتیجه زیر رسید:

$$\begin{aligned} \ln N_{it} = & \eta - ST - \phi \ln Tech_{it} + \lambda Trade_{it} + \Psi \ln FDI_{it} \\ & + \pi \ln(w/r)_{it} + \rho \ln y_{it} \end{aligned} \quad (4)$$

به طوری که :

$$\eta = -(\alpha \ln \alpha - \alpha \theta) / (\alpha + \theta)$$

$$V = K / (\alpha + \theta)$$

$$\phi = \gamma_1 V, \lambda = \gamma_2 V, \Psi = \gamma_3 V, S = \gamma_4 V, \pi = -\alpha / (\alpha + \theta)$$

$$\rho = 1 / (\alpha + \theta)$$

و در نهایت اگر تجارت (Trade) را در شکل صادرات (ex) و واردات (im) معرفی کنیم خواهیم داشت:

$$\ln N_{it} = \eta - ST - \phi \ln(R \& D / y)_{it-1} + \lambda \ln(im / y)_{it} + \phi \ln(ex / y)_{it} + \psi \ln FDI_{it} + \pi \ln(w / r)_{it} + \rho \ln y_{it} + \phi M_{it} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

که در رابطه فوق R&D/y سنجه میزان فن آوری، ex/yt سنجه میزان یا شدت صادرات، im/yt سنجه اندازه گیری واردات، FDI سرمایه گذاری مستقیم خارجی (مقیاس اندازه گیری میزان فعالیت شرکت های چند ملیتی)، η ثابت و M نیز دربرگیرنده متغیرهای خاص منطقه ای و موهومی می باشد.

از آن جا که آمارهای مربوط به متغیر R&D در غالب کشورهای در حال توسعه و همچنین برای کشورهای مورد بررسی در این تحقیق به صورت سری زمانی جامع و قابل بررسی در دسترس نیست، در مطالعه حاضر قادر به لحاظ این متغیر در مدل مورد بررسی نیستیم. همچنین با توجه به این که کشورهای انتخاب شده دارای شرایط تقریباً یکسانی هستند، ضرورتی برای در نظر گرفتن متغیر M احساس نمی شود. بنابراین مدل قابل کاربرد در مطالعه حاضر به صورت زیر تغییر می یابد.

$$\ln N_{it} = \eta - ST + \lambda \ln(im / y)_{it} + \phi \ln(ex / y)_{it} + \psi \ln FDI_{it} + \pi \ln(w / r)_{it} + \rho \ln y_{it} + \varepsilon_{it} \quad (6)$$

۳-۲- داده ها و روش تخمین

داده های مورد نیاز برای انجام این تحقیق در برگیرنده سری زمانی ۲۱ ساله (۱۹۸۰-۲۰۰۰) متغیرهای کشورهای منتخب (کره جنوبی، مالزی، هند، اندونزی و برزیل) بوده که از طریق منابعی از قبیل IFS، UNCTAD و CD اطلاعاتی World Bank گردآوری گشته است. از آن جا که یکی از اهداف ضمنی این مطالعه دست یافتن به نتایجی است که قابل تعمیم برای کشورمان باشد،

کشورهایی مد نظر قرار گرفته اند که ضمن دارا بودن آمار و داده های مربوط به FDI از تشابه ساختاری با اقتصاد کشورمان برخوردار باشند. داده ها و اطلاعات گرد آوری شده در قالب مدل معرفی شده و به دو روش مورد تجزیه و تحلیل واقع شده اند. در روش اول آمار و اطلاعات هر پنج کشور منتخب یکجا و بر اساس رویکرد Pooling Data مورد بررسی قرار گرفته تا کلیت و جهت اثرگذاری FDI بر اشتغال روشن گردد. در روش دوم به منظور تحلیل میزان اثرگذاری، اطلاعات هر کشور جداگانه و با استفاده از رویکرد حداقل مربعات معمولی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. توضیح این که روش دوم امکان بررسی دقیق تر میزان اثرگذاری FDI بر اشتغال را با توجه به شرایط خاص هر کشور فراهم می نماید.

۴- تجزیه و تحلیل داده ها

۴-۱- رویکرد اول: جهت تجزیه و تحلیل داده ها در قالب رویکرد (Pooling Data) معادله (۶) در هر یک از دو حالت «عرض از مبدأ مشترک [Common]» و «عرض از مبدأ متفاوت برای هر کشور [fixed Effect]» به دو روش «No Weighting» و «Cross Section Weights» برآورد گردیده است که نتایج به دست آمده در هر یک از دو حالت به صورت زیر است:

۴-۱-۱- حالت اول: عرض از مبدأ مشترک [Common]

۴-۱-۱-۱- روش «No Weighting»

$$\log N = 13/91 + 2/32 \log(ex/y) - (2/32e-12) \log(im/y) + 0/12 \log(FDI)$$

$$t: \quad (1/43) \quad (5/79) \quad (-3/89) \quad (2/6)$$

$$-1/32 \log(w/r) + 0/0058 \log(y)$$

$$(-5/41) \quad (0/0146)$$

$$R^2 = \%70 \quad D.W = 2.2 \quad F = 40/23$$

۴-۱-۱-۲- روش «Cross Section Weight» (GLS)

$$\log N = 24/6 + 1/69 \log(ex/y) - (2/75e-12) \log(im/y) + 0/19 \log(FDI)$$

$$t: \quad (3/54) \quad (6/00) \quad (-7/76) \quad (5/29)$$

$$- 1/36 \log(w/r) + 0/48 \log(y)$$

$$(-10/08) \quad (1/69)$$

$$R^2 = \%99 \quad D.W=2/15 \quad F=909$$

$$R^2 = \%99 \quad D.W=2/2 \quad \text{-----}$$

ملاحظه می شود که در حالت اول کلیه ضرایب معادلات در هر دو روش معنی دار و دارای علایمی مطابق انتظارات تئوریک هستند که در این میان ضریب به دست آمده برای متغیر FDI بیانگر این امر است که به طور کلی سرمایه گذاری مستقیم خارجی می تواند اثر مثبت و معنی داری در تغییرات اشتغال کشورهای در حال توسعه داشته باشد. مقایسه دو روش مذکور نشان می دهد که قدرت توضیح دهندگی معادله در روش GLS به طور معنی داری افزایش یافته است، که نشان دهنده برآزش بهتر معادله بر اساس این روش است. کمیت آماره D.W حاکی از عدم وجود خودهمبستگی در جملات خطای معادله رگرسیون در هر دو روش است. همچنین آماره F نیز معنی داری کلی ضرایب را برای هر دو روش مورد تأیید قرار می دهد.

۴-۱-۲- حالت دوم: عرض از مبدأ متفاوت «Fixed effects»

۴-۱-۲-۱- روش «No Weighting»

$$\log(N)=C+0/21 \log(ex/y)-(8/67e-14) \log(im/y)+0/04 \log(FDI)-0/026 \log(w/r)$$

$$t: \quad (6/37) \quad (-2/7) \quad (5/84) \quad (-2/23)$$

$$+0/29 \log(y)$$

$$(13/36)$$

$$R^2 = \%99 \quad D.W=1/75 \quad F=74577/85$$

که عرض از مبدأ برای کشور کره جنوبی (10/12)، مالزی (8/83)، اندونزی (16/11)، هند (3/18) و برزیل (10/67) به دست آمده است

۴-۲-۱- روش «Cross Section Weight» (GLS)

$$\log(N)=C+0/26 \log(ex/y)-(1/16e-13) \log(im/y)+0/036 \log(FDI)-0/014 \log(w/r)$$

$$t: \quad (9/54) \quad (-0/02) \quad (5/46) \quad (-1/82)$$

$$+0/26 \log(y)$$

$$(15/5)$$

$$R^2 = \%99 \quad D.W=1/79 \quad F=1008217$$

$$R^2 = \%99 \quad D.W=1/69 \quad \text{-----}$$

که عرض از مبدأ برای کشور کره جنوبی (10/86)، مالزی (9/54)، اندونزی (11/97)، هند (7/07) و برزیل (11/55) به دست آمده است.

مقایسه حالت دوم با حالت اول نشان می‌دهد که در صورت در نظر گرفتن عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورها، معنی داری میزان اثر گذاری تولید ناخالص داخلی (y) بر اشتغال کشورها به نحو چشمگیری افزایش می‌یابد. علاوه بر این در این حالت، قدرت توضیح دهندگی مدل نیز به نحو بارزی بهبود پیدا می‌کند که این امر در افزایش کمیت R^2 مربوط به حالت دوم منعکس شده است. ملاحظه ضرایب به دست آمده نشان می‌دهد که کلیه ضرایب معنی دار و دارای علایمی مطابق انتظارات تئوریک هستند و در این میان معنی داری ضریب مربوط به FDI حاکی از اثر مثبت سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال کشورهای میزبان است. برعکس حالت اول، در حالت دوم نتایج حاصل از تخمین معادلات بر اساس دو روش تفاوت چندان با یکدیگر ندارند.

۴-۲- رویکرد دوم: در این رویکرد آمار و اطلاعات هر کشور به طور جدا به طریق حداقل مربعات معمولی OLS برای دوره ۲۱ ساله (۱۹۸۰-۲۰۰۰) در قالب مدل (۶) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از برآورد مدل مذکور برای هر پنج کشور در جدول (۱) منعکس گردیده است

جدول (۱): نتایج برآورد معادله (۶) برای کشورها به روش OLS

آماره های آزمون			Ln(y)	Ln(w/r)	Ln(FDI)	Ln(im/y)	Ln(ex/y)	Constant	متغیر
F	D.W	R ²	ρ	π	Ψ	λ	φ	η	ضریب کشور
۲۷۴	1/6	%99	0/137 (4/1)	۰/۰۳۳ (-2/56)	۰/۰۱۲ (۳/۱۴)	-۰/۰۳۴ (-۰/۶۴)	۰/۱۷ (۳/۹۴)	۱۳/۰۸ (۱۹/۱۹)	کره جنوبی
۳۷۸	2/2	%۹۹	0/164 (5/27)	-0/03 (-3/92)	0/042 (2/47)	-0/301 (-3/25)	0/61 (8/5)	10/82 (16/07)	مالزی
۲۰۹	۲	%۹۹	0/1 (3/03)	-۰/۰۵۳ (-4/4)	0/004 (3/27)	-0/33 (-3/12)	0/09 (1/49)	16/16 (21/00)	اندونزی
۳۱	1/6	%۹۱	0/024 (4/63)	0/0015 (-0/61)	0/0007 (2/85)	-0/0078 (-0/74)	0/014 (1/98)	9/62 (67/77)	هند
۵۰	1/8	%۹۴	0/378 (10/88)	-0/038 (1/035)	0/0006 (1/89)	-0/11 (-1/96)	0/32 (4/37)	8/119 (9/75)	برزیل

بر اساس این نتایج معادله مورد استفاده برازش بسیار مناسبی را با داده‌های کلیه کشورها نشان می‌دهد و از قدرت توضیح دهنده‌گی بسیار مطلوبی برخوردار است که این امر را می‌توان با ملاحظه آماره‌های R² مورد تأیید قرار داد. همچنین با توجه به کمیت حاصل شده برای آماره‌های D.W فرض عدم وجود خودهمبستگی در اجزای خطا قابل تأیید می‌باشد. علاوه بر این، معنی‌داری آماره F، حاکی از معنی‌داری کلی ضرایب رگرسیونهاست.

نتایج مربوط به ضرایب و آماره‌های (t) مربوطه مؤید این مطلب است که کلیه ضرایب به دست آمده دارای علایمی مطابق انتظارات تئوریک بوده و در غالب موارد معنی‌دار است. به گونه‌ای که برای کلیه کشورها متغیرهای صادرات، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی دارای تأثیر مثبت و متغیرهای واردات و نسبت دستمزد به نرخ بهره دارای اثر منفی بر اشتغال کشورهای میزبان هستند.

آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال کشورهای مورد مطالعه از یک طرف به میزان توسعه یافتگی و آماده بودن بسترهای مناسب در این کشورها و از طرف دیگر به سهم FDI در تأمین منابع مالی مورد نیاز این کشورها بستگی دارد. به گونه‌ای که هر اندازه کشوری توسعه یافته‌تر و شرایط و بسترهای لازم جهت انجام سرمایه‌گذاری خارجی و شرایط انتقال فن‌آوری در آن فراهم‌تر باشد، FDI می‌تواند با قدرت بیشتری اشتغال آن کشور را متأثر سازد. عین این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که میزان نیاز کشوری به منابع مالی خارجی بیشتر باشد، به عبارت دیگر سهم منابع مالی خارجی در تأمین نیازهای مالی این کشورها اهمیت بیشتری داشته باشد. اگر به نتایج به دست آمده در جدول (۱) توجه شود، می‌توان دریافت که جایگاه کشورها از نظر میزان اثرگذاری FDI بر اشتغال در قالب این دو عامل معرفی شده به خوبی قابل توجیه است. به گونه‌ای که کره جنوبی علی‌رغم توسعه یافته‌تر بودن نسبت به سایر کشورهای مورد مطالعه از آن‌جا که از نظر میزان اهمیت و سهم FDI در تأمین منابع مالی این کشور جایگاه ضعیفتری دارد، رتبه دوم را از آن خود کرده است. اما کشوری مانند مالزی که هم‌مراحلی از توسعه یافتگی را پیموده است و هم به مراتب بیشتری نیاز به منابع مالی خارجی دارد، رتبه اول را به خود اختصاص داده است، به همین ترتیب می‌توان جایگاه سایر کشورها را نیز توجیه نمود که نتیجه آن اختصاص رتبه‌های سوم تا پنجم به ترتیب برای کشورهای اندونزی، هند و برزیل است.

۵- جمع‌بندی نتایج و پیشنهادها

با توجه به مبانی تئوریک موضوع از یک طرف و مطالعه موردی صورت گرفته از سوی دیگر، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یک عامل اثرگذار بر اشتغال کشورهای میزبان نقش مثبت و مؤثری در بهبود بازار کار این کشورها ایفا می‌نماید. بررسیهای تئوریک موضوع، مبین این امر است که مقوله اثرگذاری FDI بر اشتغال کشورهای میزبان مشتمل بر فرآیندی است که انتقال فن‌آوری، تخصیص بهینه منابع، بهبود بهره‌وری و سیستمهای مدیریت به عنوان حلقه‌های واسط این فرآیند به شمار می‌آیند، به عبارت دیگر FDI از مجرای این عوامل قادر به تحریک تقاضای نیروی کار و اشتغال می‌گردد. بنابراین در صورت فعالیت شرکتهای چند ملیتی در کشورهای میزبان (به عنوان محمل جریان FDI) به تبع فن‌آوریهای منتقل شده توسط این شرکتهای میزبان و اثرات سرریز ناشی از آن به این کشورها و در نتیجه بهبود بهره‌وری و تخصیص بهینه منابع، بازار نیروی کار این کشورها از نظر کیفی و کمی به طور مثبت تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

مطالعه صورت گرفته در این تحقیق بر روی چند کشور منتخب قویاً نقش مثبت FDI در بهبود اشتغال این کشورها را مورد تأیید قرار داده و بیانگر این امر است که هر اندازه کشوری توسعه یافته تر باشد، از زمینه‌های مساعدتری برای جذب فن آوریهای نو برخوردار بوده و لذا سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثر بیشتری بر بهبود اشتغال آن کشور خواهد داشت. سطح توسعه یافتگی کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق و میزان اثرگذاری FDI بر اشتغال این کشورها درستی فرآیند مذکور را تأیید نمود. همچنین رتبه بندی کشورهای مورد مطالعه از نظر میزان اثرگذاری FDI بر اشتغال این نتیجه را روشن ساخته است که بسته به اهمیت و سهم FDI و به طور کلی منابع مالی خارجی در تأمین نیازهای مالی کشورهای میزبان، میزان این اثرگذاری متفاوت است. به طوری که هر اندازه منابع خارجی اهمیت و سهم بیشتری در تأمین نیازهای مالی این کشورها داشته باشد و به عبارت دیگر این کشورها به منابع مالی خارجی نیازمندتر باشند، این اثرگذاری می تواند تقویت گردد. لذا این نتیجه قابل دریافت است که اگر کشوری با مشکلاتی از قبیل کمبود منابع مالی، ضعف ساختارهای تولیدی و فقدان فرصتهای شغلی برای نیروی کار ماهر (که تقریباً قسمت اعظم نیروی کار کشورها را در وضع کنونی تشکیل می دهد) روبه روست، می تواند با عطف توجه به پیشنهادهاى زیر گامی در جهت تخفیف همزمان این مشکلات بردارد:

- ایجاد فضایی امن و مناسب به منظور امکان جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی.
 - ایجاد زمینه ها و بسترهای لازم و استقرار امکانات زیربنایی مورد نیاز به منظور تسهیل جذب جریانات سرمایه گذاری مستقیم خارجی.
 - شناسایی بخشهای مولد و کلیدی (بخشهای با میزان آمادگی بالاتر جهت جذب FDI و در عین حال با پیوندهای پیشین و پسین بیشتر) و اولویت دادن به این بخشها هنگام تخصیص و هدایت جریانات سرمایه گذاری مستقیم خارجی.
 - فراهم آوردن زمینه های ایجاد ارتباط و همکاری مشترک بین شرکتهای سرمایه گذار و شرکتهای داخلی جهت تقویت و بومی کردن فن آوری انتقال یافته.
 - سرمایه گذاری در امر آموزش نیروی انسانی و آماده ساختن آنها جهت جذب در مشاغل ایجاد شده در کانال سرمایه گذاری مستقیم خارجی.
- بدون شك مهیا کردن شرایط فوق توسط کشورهای میزبان جزء پیش شرطهای اساسی منتفع شدن این کشورها از اثرات اشتغال زایی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به شمار می رود. در این

راستا تردیدی نیست که شرایط کشور ما نیز به گونه‌ای است که از یک طرف شدیداً نیازمند جذب سرمایه‌های خارجی است و از طرف دیگر هنوز بسیاری از پیش‌شرطهای لازم جهت این امر فراهم نگشته است. در نظر داشتن این که یکی از مهمترین معضلات کشور ما بیکاری است، ایجاب می‌کند برای احتراز از مواجهه با بحران بیکاری و فارغ التحصیلان بیکار، ضمن فراهم نمودن پیش‌شرطهای لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی در انتخاب جریان FDI اولویتها را در نظر داشته باشیم و در این زمینه به اصطلاح Selective (گزینشی) برخورد کنیم تا ضمن استفاده از محاسن سرمایه‌گذاری خارجی و اثرات مثبت آن از جمله اشتغال‌زایی، از آثار منفی آن نیز بر حذر باشیم. نتایج مطالعه حاضر در هر صورت در جهت تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشور از جمله تأکید بر لزوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توسعه است.

فهرست منابع:

1. Bulckly Peter.J., World Investment Report, (1994), Transitional Corporations, Employment and the work place.
2. Barrell. R. and Pain. N.(1997). "Foreign Direct Investment, Technological Change and Economic Growth within Europe", Economic Journal. Vol, 107 , PP.1770 – 86 .
3. Blostrom. M., Globerman, S. and Kokko, A. (1999), "The Determinants of Host Country Spillovers from Foreign Direct Investment; Review and Synthesis of the Literature, NIESR, September 1999.
4. Helpman and Krugman. P. (1985) Market Structure and Foreign Trade, MIT Press, Cambridge.
5. Lispey, Robert (2003) "Home and Host Country Effects of FDI "NBER Working Paper No: 92 – 93 .
6. Narula. R(1996). Multinational Investment and Econmic Structure. Globalization and Competitiveness, Routledge, London.
7. OECD, 1994, the OECD jobs study: Evidence and Explanation OECD, Paris.
8. Runa, Frances, and Ali Ugur (2002), "Foreign Direct Invesment and Productirity Spillovers in Irish Manufacturing Industry: Evidence from Level Panel Data, Trinity Economic Paper Series, No: 2002 / 6 .
9. Taylore. K. and Diffield N (2000) "Wage Dispersion and the Role of Multinationals: Evidence from UK Panel Data, Discussion Paper in Economics, Cardiff Business School.
10.(2000), "Technoloy, Trade, Multinational and Absolute Employment: Evidence from UK Panel Data.
11. Ugur Ali and Runa Frances. "Foreign Dinct Investment and Wage Spillovers in Irish Manufacturing Industry, September 2003, Trinity Economic Paper Series.
12. William. D (1999) "Foreign Manufacturing Firms in UK: Effects on Employment, Output and Supplier Linkages" European Business Review, Vol.99 . PP 393 – 398 .